

## زمینه‌های تاریخی و اجتماعی ظهور تصوف عملی در فرهنگ اسلامی

محمود قیوم‌زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

تمایز و پیدایی هر یک از فرقه‌ها و مکتب‌های اسلامی در قرون نخست را می‌توان معلول عوامل و زمینه‌های متعددی دانست که در یک فرآیند تدریجی و گاه متأثر از یکدیگر به وقوع پیوسته‌اند. پژوهش‌گران این عوامل مختلف را در یک تقسیم‌بندی کلی به بیرونی و درونی، طبیعی و غیرطبیعی و گاهی به داخلی و خارجی تقسیم کرده‌اند و از میان آنها به اسباب متعدد نفسانی، فکری، سیاسی، مذهبی و اجتماعی اشاره نموده‌اند. خاستگاه و سرچشمه‌های تصوف و عرفان اسلامی را نیز نمی‌توان مستقل از عوامل یادشده، مورد فحص و بررسی قرار داد. پیدایش راه و رسم عرفانی در قرون اولیه را نمی‌توان به طور دقیق، فرقه‌گرایی به معنای خاص آن، که عمدتاً ناظر به تمایز اندیشه‌های کلامی است، به حساب آورد و بدین جهت است که بیشتر ملل و نحل‌نگاران نیز تصوف اولیه را در زمره فرقه‌های اسلامی شمارش نکرده‌اند. با این حال برخی عوامل که در ظهور و بروز فرقه‌های کلامی و دسته‌بندی‌های فقهی دخیل بوده‌اند، در پیدایی این نحله نیز سهم قابل توجهی داشته‌اند؛ هرچند نمی‌توان از اسباب ویژه و یا حداقل تأثیر بیشتر برخی عوامل، تاریخی آن چشم‌پوشی کرد. در مبحث حاضر تلاش می‌کنیم از میان عوامل مختلف پیدایی تاریخی تصوف و عرفان به مهم‌ترین عوامل تاریخی و اجتماعی و سیاسی که مورد تأیید بیشتر عرفان‌پژوهان نیز واقع شده‌است، اشاره نماییم.

### واژگان کلیدی

بسترهای اجتماعی، تصوف، فرهنگ، زمینه‌های تاریخی.

۱. گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ساوه، ایران

## مقدمه

در مبحث حاضر تلاش می‌کنیم از میان عوامل مختلف پیدایی تاریخی تصوف و عرفان به مهم‌ترین عوامل تاریخی و اجتماعی و سیاسی که مورد تایید بیشتر عرفان پژوهان نیز واقع شده است، اشاره نماییم. البته بحث قابلیت آموزه‌های دینی و برداشت و تفسیرهای صوفیانه ازان نیز از عوامل برجسته و تأثیرگذار در پیدایش و رشد و رواج این نحله اجتماعی بوده که در جای خود بایستی بدان پرداخت. تذکر این نکته نیز سودمند است که در اینجا مراد از عرفان و تصوف و سخن از پیدایش آن به عنوان یک جریان متمایز گروهی و یک سازمان و گرایش اجتماعی در میان دیگر گروه‌های اسلامی است، و نه عرفان به عنوان یکی از گرایش‌های معنوی و درونی نوع انسان که همواره با او بوده و هست. در مجموع می‌توان زمینه‌ها و اسباب کلی شکل‌گیری این گروه را در سه محور ذیل جستجو کرد:

۱. اختلاف افکار، روحیه‌ها و سلايق مسلمانان.
۲. زمینه‌های اجتماعی مشتمل بر بحران‌ها و تحولات سیاسی، اجتماعی.
۳. آشنایی ناشی از برخورد و تعامل فرهنگی و دینی مسلمانان با دیگر فرهنگ‌ها و ملت‌ها.

### ۱. اختلاف افکار و سلايق مسلمانان

تفاوت‌های فردی انسان‌ها در روحیه، سلیقه، پیش‌فرضها و مقبولات فکری، طیف شخصیتی، تیپ روانی و... و نقش برجسته آنها در اختلاف نظریه‌ها و فهم و برداشت‌های متفاوت از متون و از جمله متون دینی، بر کسی پوشیده نیست. با نیم‌نگاهی به تاریخ اجتماع بشری روشن می‌شود که انسان‌ها به دلایل مختلف وراثتی، اقلیمی، اجتماعی و تربیتی از دل بستگی‌ها، منش‌ها، بینش‌ها و گرایش‌های فکری متفاوتی برخوردارند. از این روی است که برخی گفته‌اند تاریخ فلسفه و تفکر در واقع تاریخ نزاع مزاج‌های مختلف بشری است.<sup>۱</sup> اهمیت این عوامل و دلایل در شناخت تاریخ و ماهیت افکار فرقه‌ای

۱. ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ص ۸

بدان حدّ است که برخی اندیشمندان، در پیدایش فرق فکری و مذهبی عامل مذکور را، عامل پایه و بنیادین می‌دانند این مسئله در آیات قرآنی نیز مورد اشاره واقع شده است و برخی مفسران به این مسئله اشاره نموده اند. در قرآن مجید نه تنها به اختلاف درجات افراد بشری در هدایت پذیری تصریح شده است، بلکه به دیگر ظرفیت های بشری نیز توجه شده است: <sup>۱</sup> «و قد خلقکم اطوارا»<sup>۲</sup>. قرآن حتی به وجود تفاوت و تفاضل درجات پیامبران و اختلاف سلیق آنان نیز تصریح دارد.<sup>۳</sup> از همه روشن تر آیاتی چند از قرآن مجید است که می‌گوید: «و لو شا الله لجعلکم - و یا- لجعلهم امهً واحدهً»<sup>۴</sup>؛ این پدیده علاوه بر آیات قرآنی در روایات اهل بیت نیز مورد ملاحظه قرار گرفته است. آن بزرگواران علاوه بر تقسیم بندی معارف قرآنی و فهم های مختلف آن<sup>۵</sup>، از اقسام مراتب و درجات افراد بشری و نیز درجات مختلف ایمان مؤمنان، که خود عاملی مهم در تفاوت فهم است، نیز سخن به میان آورده اند.<sup>۶</sup> اختلاف طبایع به اضافه تنوع اجتماعی و فرهنگی مسلمانان، پیامدهای مهمی در حیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آنان به وجود آورده است.<sup>۷</sup> در واقع تفاوت فهم، نگاه و برداشت و انتظار هر یک از گروه ها و مکاتب اسلامی از تعالیم کتاب و سنت و در پی آن، تنوع عقاید دینی مسلمان و در نتیجه ظهور رفتارهای مختلف و احياناً متضاد اجتماعی، سیاسی و... تا حدود زیادی نتیجه این عامل مهم بوده و پیدایش عرفان و تصوف

۱. سوره رعد، آیه ۱۷؛ سوره اسراء، آیه ۸۴؛ سوره انعام، آیه ۱۶۵.

۲. سوره نوح، آیه ۱۴.

۳. سوره بقره، سوره آیه ۲۵۳؛ سوره اسراء، آیه ۵۵؛ سوره بقره، آیه ۲۸۵؛ سوره اعراف، آیه ۱۵؛ سوره

کهف، آیه ۵۹ - ۸۲؛ سوره انبیاء، آیه ۷۹؛ سوره نساء، آیه ۸۲.

۴. سوره مائده، آیه ۴۸؛ سوره نحل، آیه ۹۳؛ سوره شوری، آیه ۸.

۵. محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۱، صص ۹۷ - ۱۱۳؛ به عنوان نمونه بنگرید به: روایات متعدد پیامبر ﷺ و اهل بیت، درباره بطون مختلف قرآن و اینکه برخی از آیات قرآن برای اقوام ژرف نگر نازل شده است؛ در اصول کافی، ج ۱، کتاب العقل.

۶. این قبیل روایات در جوامع مختلف شیعی از امامان گزارش شده است. به عنوان نمونه بنگرید: اصول

کافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب درجات الایمان.

۷. شبلی نعمانی، تاریخ علم کلام، ص ۱۵ و ۱۶.

نیز از آن بی بهره نبوده است. اما شاید در بین علمای دینی کسی زودتر و کامل تر از عرفا، به این اختلاف افراد، آن هم در سطح جهانی توجه نکرده باشد عرفایی همچون ابن عربی معتقدند که خدا در نزد هر کس به اسمی تجلی می کند. لذا او هر کس دیگر یا قومی دیگر را که خداوند، نزد او به اسمی دیگر تجلی کرده است، انکار و لعن و تکفیر می کند؛ زیرا هر کس، تنها خود را حق و حافظ حق می داند. اما عارفان کامل که شرح صدر پیدا نموده اند، می دانند که: لله الاسماء الحسنی. آنان می دانند که حقیقت متلون و متکثر است (فصّ شعبیه فصوص الحکم)، و یقین به این راحتی ها به دست نمی آید که دیگران ادعا می کنند؛ در نتیجه کسی را لعن و تکفیر نمی نمایند: رک: چنین گفت ابن عربی، فصل آخر؛ شریعت و طریقت،

در اینجا مجال بحث تاریخی پیرامون تأثیر عامل یاد شده نیست.<sup>۱</sup> در مجموع می توان نتایج مختلف فکری در فهرست ذیل را تا حدود زیادی برخاسته از عامل مذکور تحلیل کرد و پیامد آن را در شکل گیری و تمایز راه و رسم صوفیان مشاهده کرد.

۱. دنیاگرایی افراطی و اشرافی گری و عیاشی برخی مسلمانان نخستین، اعم از سیاست مداران و کارگزاران حکومتی و عالمان دینی و یا مردمان عادی، و عکس العمل برخی مسلمانان زاهد و توجه آنان به آخرت و تبلیغ زهدگرایی.

۲. ظهور گروه های حشوی مسلک و ظاهر گرای افراطی و توجه صرف آنان به ظواهر شریعت. و در پی آن عکس العمل صوفیان در توجه به طریقت و حقیقت.

۳. چالش عقل گرایان (متکلمان، اهل اجتهاد و به ویژه معتزلیان) با نقل گرایان (اهل حدیث و اخباریان) و در این میان، عکس العمل برخی دیگر (صوفیه نخستین) با تأکید بر معرفت قلبی و درونی و تاویلی و ذوقیات و در نتیجه ظهور جریان های مختلف باطن گرا در برابر دو دسته یاد شده.

۴. پیدایش جمودگرایی از سویی و خمودگرایی از سویی دیگر، در رفتارهای اخلاقی

۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید: «تفاوت های بشری و نقش آن در فرقه گرایی مسلمانان»، مجله طلوع، شماره

و اجتماعی گروه‌های مختلف دینی، که بعضاً ناشی از برداشت‌های مختلف آنان از متون دینی بود.

۵. تنبلی و کاهلی و فرار از مسئولیت‌های اجتماعی و رنج‌های انسانی، در پیدایش برخی فرقه‌های تصوف را نمی‌توان نادیده انگاشت؛ که با نام عرفان و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، تمام وظایف انسانی خود و حتی بعد اجتماعی شریعت را نادیده می‌گرفتند. برای مثال، حوادث دوران حمله و حکومت مغول‌ها و رفتار برخی صوفی‌مسلمانان بی‌خیال از رنج‌های انسانی، خواندنی است. گرچه در همان زمان نیز، صوفیان صافی و جان‌باخته‌ای به نام سربداران، در سبزواری قیام نموده و رنج جهاد و فیض شهادت را به جان خریدند. قیام‌های صوفیانه در تاریخ اسلام، کم نبوده است. رک: علی اکبر ولایتی، تاریخ تمدن اسلامی، انتشارات وزارت امور خارجه

۶. افراط و پیشی گرفتن از پیامبر ﷺ و اوصیای معصوم ایشان در التزام به ظواهر و شعایر دینی و یا باطن‌گرایی محض؛ مطالعه سیر تاریخی تنازعات فکری در قالب مباحثی چون تأویل و تنزیل، ظاهر و باطن، اخباری و اصولی، فلسفه و دین، تفکیک و غیرتفکیک و از همه مهم‌تر، نزاع تاریخی و پیوسته اهل شریعت با اهل طریقت؛ نقش این عامل کلیدی را برای خواننده روشن‌تر خواهد ساخت.

فهم و برداشت عرفانی برخی مسلمانان از معارف دینی و توجه به عمق و باطن تعالیم شریعت اسلام، و در نتیجه پیدایش تفاسیر رازآلود از متون دینی را می‌توان تا حدود زیادی با این عامل تحلیل نمود. بنابراین است که برخی نویسندگان، اختلاف‌های فکری پیرامون خداشناسی، تشبیه و تنزیه خدا و طرز تلقی از اسماء و صفات، مسائل مربوط به مبدأ، معاد، نبوت، ولایت، رهبری دینی و سیاسی، انسان‌شناسی، کیهان‌شناسی و... این گروه با سایر فرقه‌های دینی را به اختلاف طبایع افکار و تفاوت‌های انسانی در برداشت از ظواهر و میزان عقل و درایت، راجع و مرتبط می‌دانند.<sup>۱</sup>

همچنین گفته شده که با پیدایی علم کلام و تلاش‌های عقلانی برخی مسلمانان در

۱. حسن، حنفی، بحوث فی علوم اصول الدین، نص ۱۰۱،

توجیه تعالیم دینی (متکلمان)، عده ای از متشرعین نیز که از روحیه و یا حوصله جدل های عقلانی برخوردار نبودند و یا آمیزش تعالیم اسلامی با استدلال های عقلانی و گاهی استفاده از فرهنگ بیگانه (یونانی) را بر نمی تافتند، طرفدار ساده نگری و ساده اندیشی و ساده فهمی قرآن و منابع اسلامی شدند. جریان تصوف در مقابل متکلمین، بر معرفت ذوقی و قلبی تکیه کرد و در برابر متشرعین به تأویل و گرایش باطنی دست یازید.<sup>۱</sup>

دور از واقعیت نیست که عطف توجه صوفیان نخستین به تفاسیر عرفانی و رویکردهای متعمقانه، تاکید بیشتر آنان به زهد درونی و بیرونی و وارستگی از مظاهر دنیا را، که منجر به شکل گیری جریان تصوف به عنوان گرایش باطنی به دین و آموزه های آن شد، نوعی مخالفت با ساده انگاری و ظاهر گرایی و یا رویکردهای دنیاگرایانه کسانی بدانیم که می خواستند علوم اسلامی را به صرف مباحث جدلی، و احکام و دستورات شریعت را به ظاهر گروی مکانیکوار تقلیل دهند.<sup>۲</sup>

### ب. زمینه ها و تحولات سیاسی - اجتماعی

آنان که اندک آشنایی و رابطه ای با حوادث و جریان های فکری، سیاسی و اجتماعی گذشته و حال دارند به نیکی می دانند که پیوند سیاست و قدرت مداران با دیانت و مذهب، همواره به صورت دوسویه جریان داشته و دارد. برخی دستاوردهای این پیوستگی را می توان در ظهور و رواج برخی فرقه ها و اندیشه های سیاسی - دینی، کلامی، فلسفی، فقهی و اخلاقی و هم در ضعف و احیاناً سقوط برخی دیگر از اندیشه ها و فرقه ها نشان داد. نقش چنین عاملی در دسته بندی ها و اختلافات مسلمانان به گونه ای بوده که پاره ای از پژوهش گران آن را مهم ترین عامل شکل گیری فرقه های اسلامی در قرون نخست دانسته و عوامل دیگر را فرعی و تحت الشعاع آن قلمداد می کنند.<sup>۳</sup> برخی دیگر ساختار و جوهره فرقه های بزرگ اسلامی در قرون نخست را از نوع جنبش هایی می دانند که در آغاز با انگیزه های سیاسی شروع و بعدها رنگ و بوی مذهبی و فلسفی به خود

۱. نقد صوفی، ص ۳۱.

۲. هانری کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۲۶۶.

۳. علی سامی النشار، نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۵؛ تاریخ علم کلام، ص ۱۴.

گرفتند.<sup>۱</sup>

از جمله این حوادث چالش برانگیز عبارت اند از: حادثه اختلاف بر سر جانشینی پیامبر و حوادث پیرامونی آن، شیوه انتخاب خلیفه دوم، اختلاف در شورای شش نفره منتخب خلیفه دوم برای تعیین خلیفه بعدی، شورش بر عثمان و قتل او (که با عنوان فتنه کبری یاد می شود)، جنگ های عصر امام علی علیه السلام و طغیان ناکثان، قاسطان و مارقان و بعد از آن مطلق العنان شدن حزب اموی به سرکردگی معاویه و در نهایت شهادت غمبار حسین بن علی علیه السلام و رخدادهای دینی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و حتی اقتصادی ناشی از آن. این حوادث و بحران ها و تحولات سیاسی و قیام های دینی و نزاع های قبیله ای بین امویان و مخالفان آنها زمینه ساز اصلی و پشتوانه تاریخی شکل گیری فرقه های اسلامی و اندیشه های متمایز کلامی و حتی برخی تفاوت دیدگاه ها در تعالیم فقهی و از همه مهمتر ظهور زاهدان نخستین به عنوان زمینه ها و جوانه های زهد صوفیانه شد.<sup>۲</sup> البته رسالت این نوشتار، بررسی فرآیند چنین نقشی در شکل گیری تصوف است با مطالعه بیشتر روشن خواهد شد که رد پای بسیاری از مقبولات و مفروضات فرقه ای و شکل گیری برخی از مبانی کلامی و فقهی نظیر عدالت و قداست صحابه، لزوم اطاعت از حاکم جور و بی طرفی در حوادث سیاسی و همراهی با جماعت، ترجیح نظم و امنیت و مصحلت بر عدالت و حقیقت و ظهور دیدگاه ها و مبانی متنوع آنها، ریشه در این حوادث داشته است.

### نقش تحولات سیاسی - اجتماعی در پیدایش تصوف

از تأثیر این عامل در فرآیند شکل گیری آغازین و به تعبیر بهتر پیدایش تاریخی تصوف نیز سخن به میان آمده است. هرچند نمی توان بین سیاست و پیدایی تصوف پیوند عمیق و مستقیمی همانند نقش آن در شکل گیری برخی فرقه های سیاسی و کلامی در قرون نخست، ایجاد نمود؛ اما شکل گیری این جریان را نیز نمی توان بدون مطالعه ساختارها زمینه ها و تحولات اجتماعی دوران پیدایش آن مورد ملاحظه قرار داد، چرا که

۱. فی علم الکلام، ج ۱، ص ۸۹؛ و نیز حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۱، ص ۲۴. به نقل از یحیی

فرغل، در کتاب عوامل و اهداف نشأة العلم الکلام، ص ۲۲۹.

۲. محمد بهی، الجانب الالهی، ص ۳۲.

با مطالعه تاریخ شکل‌گیری تصوف روشن خواهد شد که در آن زمان ناهنجاری‌های اجتماعی و تنازعات سیاسی در اوج خود بوده است. به عنوان نمونه، انتقال حکومت از امویان به عباسیان و درگیری‌های شدید نظامی این دو حزب، شورش‌ها و نهضت‌های سیاسی و مذهبی و از جمله قیام‌های علویان، حرکت زنج و قرامطه و نیز انشعاب، قیام و دعوت اسماعیلیان، از جمله حوادث مهمی بود که در زمان پیدایش تصوف (قرن دوم) رخ داد.<sup>۱</sup> بنا بر دیدگاه برخی مستشرقان و پژوهش‌گران مسلمان، اختلافات سیاسی و جنگ‌های طولانی میان حاکمان و درگیری‌های حزبی و فضای دنیاطلبی در جامعه اسلامی موجب شد که عده‌ای به دنیا و مظاهر آن بی‌اعتنا شده و به زهد روی آورند.<sup>۲</sup> حتی برخی پا را فراتر نهاده و ظهور اعتزال سیاسی (قاعدان) و گوشه‌نشینی و عزلت‌طلبی عده‌ای در جنگ‌های روزگار امام علی علیه السلام و روی آوردن آنها به عبادت‌راه، نخستین زمینه‌های زهدگرایی و دنیاگریزی به حساب آورده‌اند.<sup>۳</sup> از این جهت می‌توان گفت خفقان حاکم بر جامعه اسلامی از طرف حزب دنیا طلب/موی و حاکمان عباسی و نزدیکی متقابل آنان با برخی از فقیهان و مفتیان، زمینه مناسبی را برای عکس‌العمل زهدپیشگان و ظهور زهد و تصوف و باطنی‌گری ایجاد کرد. از این رو انتقاد و حمله شدید برخی از زهاد و صوفیه به فقیهان و عالمان مسلمان که مؤید دستگاه حاکم شده بودند را نباید حمل بر نزاع فقه و تصوف کرد، بلکه چالش اصلی متوجه مدعیان و سخن‌گویان این دو دانش اسلامی بوده است. مشایخ و بنیان‌گذاران تصوف عموماً خود را بی‌نیاز از توجه به فقه و مسائل فقهی نمی‌دیدند.

بنابر تحلیل یکی از پژوهش‌گران با تشکیل سازمان‌های مختلف اجتماعی در عصر

۱. سلیمان سلیم علم‌الدین، التصوف الاسلامی، ص ۲۲.

۲. محمد تقی مدرس، العرفان الاسلامی، ص ۱۳۵؛ قاسم غنی، تاریخ تصوف در اسلام، ج ۲، ص ۲۱-۲۳؛ زین‌الدین کیانی نژاد، سیر عرفان در اسلام، صص ۲۱-۳۶؛ نیز بنگرید: سلیمان سلیم، التصوف الاسلامی، صص ۲۳-۲۴؛ و نیکلسون، پیدایش و سیر تصوف، ص ۱۴۷.

۳. بنگرید: حسین عطوان، فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام، ترجمه حمیدرضا شیخی، مباحث مقدماتی کتاب.



عباسی از یک سو و تطوّر و تکامل فقه از سوی دیگر، جمعی از فقها به مشاغل و مناصبی چون قضا و فتوی گمارده شدند. ایشان برخلاف اسلاف شان در عهد راشدین و امویان، که همسان دیگر مسلمین فقط از عطایای بیت المال بهره مند بودند، به مانند دیوانیان، راتبه خوار خلافت یا حکومت های محلی شدند و صاحب قدرت و امتیازاتی در جامعه گشتند و بالطبع از آلودگی های امور دنیوی و تأثیر سیاست بازی های خلفا و سلاطین هم منزّه نماندند. در مقابل، زاهدان و عالمان متصوف از مال و جاه چشم پوشیده، سر بر خطّ حاکمان نهاده و زبان به انتقاد آن فقیهان و مفتیان گشودند. آنان علم بدون سلوک و ترکیه نفس را بی ثمر دانستند و علم فقه را هم که در گیر تفریح احکام غریب و مسائل عجیب شده بود، علمی دنیایی شمردند و فقهای مسندنشین قضا و فتوی را عالمان دنیایی. تا بدان جا که در طعن علمای دنیادار و کب کبه و دبدبه شاهوارشان، یحیی بن معاذ به تندی گفت: «یا اصحاب العلم قصورکم قیصریّه و بیوتکم کسرویّه و اثوابکم طالوتیّه و اخفافکم جالوتیّه و اوانیکم فرعونیه و مراکبکم قارونیّه و موائدکم جاهلیّه و مذاهبکم شیطانیّه؛ فاین المحمدیه»<sup>۱</sup>. و شاید بتوان گفت که در جریان و استمرار این گونه از رقابت ها و چالش ها و تمایزات فکری و اجتماعی بود که صوفیان نخستین تلاش کردند میان دیدگاه خود نسبت به شریعت و دیدگاه رقبا و عامّه مسلمانان نیز تفاوت و تمایز قایل شوند و به تدریج به طرح اندیشه تفکیک و تفاوت شریعت و طریقت و حقیقت پردازند و تعالیم خود را ورای حوزه تعالیم ظاهری شریعت بدانند.

مورخ و جامعه شناس شهیری چون ابن خلدون نیز، بعد از ارائه چنین تحلیلی می گوید: «همین که در قرن دوم و پس از آن روی آوردن به دنیا رایج شد، عده ای به عبادت روی آورده و به صوفی و متصوف شناخته شدند»<sup>۲</sup>. برخی پژوهش گران دیدگاه دیگری را ارائه کرده اند، با این تحلیل که شکل گیری اولیه گروهی به نام زهّاد و عباد در آن عصر حاصل پناه آوردن عده ای از خسته دلان به شمع وجود ائمه علیهم السلام بود. از

۱. مجله معارف، دوره اول، شماره ۳، ص ۸۵. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، مباحث

مقدماتی.

۲. ابن خلدون، مقدمه، ج ۲، ص ۹۶۸.

نگاه ایشان ظلم و فشارها و افسار گسیختگی سردمداران اموی و عباسی موجب شد که زهد و عبادت از اصلاح امور مسلمین نومید گشته و به عبادت و گوشه گیری مشغول شوند. و چون در رأس این عده ائمه دین قرار گرفته بودند، این گروه به حکم هم دردی، پروانهوار گرد شمع وجود اهل بیت جمع گشتند. از آنجا که اینگونه اشخاص بر اثر سالها عزلت و عبادت، با خدا و عوالم معنوی سر و کار پیدا کرده بودند، جز به معارف و حقایق مربوط به خداشناسی و معرفه النفس به چیز دیگری رغبت نداشتند تا از آن معادن علم و تقوا، معارف دیگری فرا گیرند و ائمه دین هم از افاضه حقایق به آنها مضایقتی نداشتند. از جمله این افراد صوفیان برجسته و مشهوری نظیر ابراهیم ادهم، بشرحافی بایزید بسطامی، شقیق بلخی، معروف کرخی و فضیل بن عیاض بودند که هر کدام به عنوان همراه و شاگردان خاص سلوکی امام صادق و امام کاظم و حضرت رضا - علیهم السلام - شناخته شده اند.<sup>۱</sup> همچنین در باب روابط صمیمانه برخی از صوفیان نخستین با امامان شیعه گفته شد که افرادی مثل حسن بصری و اویس قرنی از شاگردان حضرت علی علیه السلام بوده اند. اضافه بر آن افرادی از قبیل کمیل، میثم تمار، رشید که همگی از صوفیان و زهاد نخستین بر شمرده شده اند، از صحابه و پیروان امامان شیعه بوده اند. قبل از آن نیز اصحاب صفة از قبیل سلمان فارسی، ابوذر و عمار که از اقطاب صوفیان متقدم به حساب آمده اند از معروف ترین شیعیان علی علیه السلام شناخته شده اند. (برای اطلاع تفصیلی از ارتباط تشیع و تصوف بنگرید به دو اثر مهم و تقریباً جامع کامل شیبی با عنوان «الصلة بین التصوف و التشیع» و نیز «الفکر الشیعی و النزعات الصوفیه»؛ همچنین بنگرید: علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۰۸ - ۱۱۰، سید حسین نصر، آموزه های صوفیان، ص ۱۶۲ - ۱۸۹.

حاصل کلام اینکه، بنابر تحلیل یکی از نویسندگان معاصر:

در جهان اسلام خاستگاه اصلی تصوف را باید در اعتراض گروهی از مؤمنان دلسوخته جستجو کرد که پس از دوران طلایی صدر اسلام، شاهد گرایش مسلمین به تجمل، دنیاطلبی و آلودگی های ناشی از آن بودند. فتوحات مسلمین که از زمان خلیفه دوم - عمر -

۱. بنگرید، محمد حسین تهرانی، الله شناسی، ج ۳، صص ۳۲۳-۳۲۴.

آغاز شده بود، پس از گذشت کمتر از یک سده، سرزمین‌های وسیعی را به حیطه تصرف اسلام کشانید و به همراه آن ثروت سرشاری را به خزانه بیت المال سرازیر کرد. پس از دوران خلفای راشدین، خلافت در دست اولاد ابوسفیان - بنی امیه - موروثی شد و در واقع به نام خلافت رسول الله پایه‌های سلطنت استحکام یافت. پادشاهان نوکیسه شام به نام خلیفه رسول الله ﷺ، به زعم شعار و تعلیم اسلام که منادی برابری انسانی و برتری انسان به محک و معیار تقوا بود؛ به تجدید گرایش‌های قومی و نژادی پیش از اسلام پرداختند و ندای برتری عرب بر غیر عرب - عجم - را سردادند. با گسترش زندگی اشرافی که از کاخ سبز امویان ریشه گرفته بود و غیر از وابستگان آن دستگاه، رفته رفته دامان سایر مسلمین مرقه را نیز می‌آلود. دیگر از ساده زیستی پیامبر اسلام ﷺ، صحابه و اصحاب صفا، خاطره ای گنگ. اما شیرین، باقی مانده بود. واکنش به این رویکرد افسار گسیخته به دنیا، مبارزه منفی کسانی بود که دل در گرو خاطرات خوش صدر اسلام داشتند. بارزترین شکل این واکنش، تزهّد و تقشّف و سخت‌گیری و سخت‌زیستی گروهی از مسلمانان معترض و دردمند بود. اینان با تجدید خاطره سخت‌زیستی و تزهّد اصحاب صفا و با تکرار و تلقین آیات عذاب که ریشه خوف از آخرت را در دل‌ها استوار می‌کرد؛ جانب تفریط را گرفته، یکسره از دنیا و تعلقات آن روی گردان شدند. پوشش ساده و خشن، روزه بسیار، خوراک اندک و ارزان، نماز و تهجد و در یک کلمه ریاضت و عبادت، اساس زندگی این زاهدان را تشکیل می‌داد. این نهضت که از سوریه و عراق نشأت گرفته بود، بزودی به تمام دنیای اسلام سرایت کرد و بیش از همه جا در خراسان که در نیمه اول سده دوم، کانون دسایس و تحریکات ضد امویان بود، با حسن استقبال عامه مواجه شد.<sup>۱</sup>

بعید نمی‌نماید که بگوییم تأکید فراوان امام علی علیه السلام به زهد و دنیا‌گریزی نیز بیشتر از همه ناظر به روحیه رفاه طلبی‌ای بود که عموماً در سیر تحولات سیاسی - اجتماعی عصر خلفا، به‌ویژه عثمان، ایجاد شده بود. تلاشی که البته در آن زمان با توجه به گرفتاری جامعه به ریای دینی و رفاه زدگی و سایر انحرافات اجتماعی به نتیجه مطلوبی نرسید. اما از تأثیر

۱. نقد صوفی، صص ۲۷ - ۲۸.

گذاری آن در دوره های بعدی به ویژه بر کسانی که ظرفیت بیشتری برای پذیرش راه و رسم و سخنان آن بزرگوار را داشتند، نمی توان غافل شد. بنابراین می توان پیدایش تصوف نخستین را علاوه بر عامل پیش گفته تا حدودی معلول و یا عکس‌العملی در برابر برخی از رویدادهای سیاسی، اجتماعی از سویی و نوعی پاسخی عملی و اعلام نشده نسبت به افسار گسیختگی حاکمان آن زمان، از سویی دیگر دانست.

### ج. روابط و تعامل فرهنگی - اجتماعی با غیر مسلمانان

هرچند با وجود هر یک از زمینه ها و عوامل قبلی، پیدایش اختلافات و انشعابات در جامعه اسلامی اجتناب ناپذیر می نماید، اما تأثیر عنصر اخذ و اقتباس از فرهنگ ها و ادیان دیگر و به تعبیر دیگر سازگار کردن و یا سازگار شدن دین پذیرفته شده با فرهنگ و علایق دین داران را نباید در رشد و رواج و گاهی پیدایش دسته بندی های کلامی و فکری و سلوکی مسلمانان کم اهمیت تر از عوامل مذکور ارزیابی کرد.<sup>۱</sup> دلیل آن نیز تا حدودی روشن است؛ چرا که با توسعه فتوحات و پذیرش اسلام توسط بسیاری از صاحبان دیگر ادیان و مکاتب و نیز آشنایی و تعامل مسلمانان با غیر مسلمانان تأثیر متقابل فرهنگی و دینی و اجتماعی، امری اجتناب ناپذیر بود. طبیعی بود که تازه مسلمانان نتوانند به کلی از رسوبات فکری و تربیت فرهنگی گذشته دست بکشند.

تأثیرپذیری مسلمانان به ویژه صوفیان از فلسفه های شرقی و فرهنگ های دیگر در طرح برخی از اندیشه های انحرافی و غلوآمیز نظیر حلول، تناسخ و نامیرایی امامان<sup>۲</sup>. قابل انکار است و نه تأثیرگذاری رهبانیت مسیحی و احیاناً عرفان های شرقی بر برخی صوفیان نخستین و بعدی در دو بُعد آموزه ها و رفتارها.

صاحبان این دیدگاه عموماً با یافتن برخی شباهت های ظاهری اعتقادی و یا مجاورت ها و رفت و شدهای تاریخی و اقلیمی مسلمانان با غیرمسلمانان، بر اخذ و اقتباس بسیاری از مبانی و اندیشه های نظری و عملی، مکاتب اسلامی را، به ویژه تصوف اسلامی

۱. ملکیان، راهی به راهی، صص ۲۳۹-۲۴۱.

۲. خلاصه ای از این موارد را بنگرید: حسین، صابری، تاریخ فرق اسلامی، ج ۱، صص ۲۵-۲۹؛ و نیز آقائوری، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه های شیعی در عصر امامان، صص ۴۲-۴۵.

راه، وام دار حوزه خارج از اسلام دانسته اند.<sup>۱</sup> البته مشکل اساسی این دیدگاه آن است که برخی صاحبان آن برای آموزه های اصیل و ممتاز اسلامی و قرآنی و خلاقیت های فکری مسلمانان حساسی بازنکرده اند و علاوه بر فقر تاریخی گری، دچار قضاوت های عجولانه، تحقیق غیرهم دلانه و غیر همه جانبه هستند.<sup>۲</sup> گرچه این دیدگاه بیشتر از طرف مستشرقان و نویسندگان غربی دامن زده شده است، اما برخی نویسندگان مسلمان نیز خواسته یا ناخواسته به سوی آن کشیده شده اند.<sup>۳</sup>

از این روی بسیاری از پژوهشگران ضمن تفکیک عوامل پیدایی اختلاف به درونی و بیرونی، روابط و تعامل فرهنگی اجتماعی مسلمانان با پیروان ادیان و مکاتب را یکی از عوامل مهم بیرونی شمرده و در تبیین این مهم از تأثیرگذاری صاحبان ادیان و مکاتبی نظیر یهود، نصارا، مجوس، صائبی، مکاتب و فلسفه های یونانی، دهری، هندی، ایرانی و... در میان فرقه های اسلامی سخن به میان آورده اند.<sup>۴</sup>

این درحالی است که دست کم در برخی موضوعات شواهد و قراین زیادی، خلاف

---

۱. گردآوری منظم این دیدگاه ها را درباره تصوف و عرفان بنگرید: عرفان نظری، ص ۷۱ به بعد؛ ابو زهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ص ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۲۴، ۱۷۴؛ عبدالرحمن بدوی، تاریخ التصوف الاسلامی، ص ۳۱-۴۴؛ احمد امین، ضحی الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲. البته این در صورتی است که آنان پیدایش اصل اندیشه ها و جریان های فکری مسلمانان را برخاسته از دیگر فرهنگ ها بدانند و نه رشد و رواج آن را.

۳. به عنوان نمونه بنگرید: عباسعلی عمید زنجانی، تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، بخش اول و چهارم؛ و نیز ملاحظه کنید سخنان اقبال لاهوری را در دو کتاب احیای تفکر دینی، و سیر فلسفه در ایران؛ جواد تهرانی، عارف و صوفی چه می گویند، صص ۱۲-۳۴. نمونه های عمومی تر از این تحلیل را بنگرید در: ابن تیمیه، اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۱۰ به بعد؛ سامی نشار، نشأة الفكر الفلسفی، ج ۱، ص ۲۹۱-۳۰۲؛ عرفان عبدالحمید، دراسات فی العقاید والفرق، صص ۱۶۴، ۱۴۲.

۴. به عنوان نمونه بنگرید به: یثربی، عرفان نظری، ص ۷۱ به بعد؛ احمد محمود صبحی، فی علم الکلام، ج ۱، ص ۳۲ به بعد؛ احمد امینی، ضحی الاسلام، ص ۳۳۳ به بعد.

آن را ثابت کرده است.<sup>۱</sup> در باب تصوف بنا بر گزارش استاد زرین کوب، شرق شناسانی نظیر ثالوک و دوزی، بر تأثیر آیین مجوس تکیه کرده اند و حتی بعضی از مشایخ صوفیه را مجوسی نژاد دانسته اند. ماکس هورتن از تأثیر آراء هندوان و مذاهب برهمنان بر راه و رسم برخی مشایخ صوفیه، سخن رانده است. هارتمان بیشتر بر نفوذ هندوان و فون کرمر بر تأثیر آیین بودایی پافشاری کرده است. آسین پالاسیوس، ونسنگ و تورآندرا به تأثیر دین مسیحی توجه خاصی کرده اند. برخی نیز در بیان منشأ عرفان اسلامی راهی دورتر را نشان داده اند. چنانکه از این میان وینفلد و براون به تأثیر حکمت نوافلاطونی توجه ورزیده اند. مرکس به نفوذ حکمت یونان، بلوشه به تأثیر عقاید و مبادی ایرانی، کارادو، علاوه بر عناصر فوق، بر تأثیر آیین یهود اشاره و تکیه کرده است.<sup>۲</sup> نیکلسون نیز موارد برجسته ای از تعالیم تصوف را برگرفته از فرهنگ گنوسی و متأثر از تعالیم مسیحیت می داند.<sup>۳</sup> از نگاه این گروه مجموعه آموزه های نظری و عملی و حتی مسائل و رسوم و مستحسنان ذوقی در تصوف اسلامی برگرفته از خارج حوزه اسلام و از منابع غیر اسلامی است. به عنوان نمونه، صوفیان نخستین نگاه تحقیرآمیز خود به دنیا، عشق و محبت به خدا و مبدا هستی، عزلت، ذکر، تجرد و توکل را از راهبان مسیحی و ریاضت کشی و تعالیمی نظیر وحدت وجود، فنا، شهود و معرفت باطنی، عشق و محبت و مراقبه را از عارفان هندی گرفته و در ارائه مفاهیم و معارفی چون نفی تشبیه و تجسیم، شهود، فنا، ریاضت، عشق، جمال و برخی دیگر از فروع نظری و عملی و حتی در استفاده از تمثیل و داستان، وامدار فلسفه یونانی و نوافلاطونی و یا ادیان و مکاتب ایرانیان بوده اند.<sup>۴</sup> این دیدگاه نه فقط آغاز پیدایش تصوف

۱. بنگرید: عبدالرحمن بدوی، تاریخ التصوف الاسلامی، صص ۳۱-۳۱؛ صائب عبدالحمید، تاریخ الاسلام السياسي والثقافی، صص ۲۹-۴۲.

۲. عبدالحسین زرین کوب، ارزش میراث صوفیه، صص ۱۳-۱۲؛ و نیز بنگرید به: بدوی، تاریخ التصوف الاسلامی، صص ۲۱-۴۴.

۳. به عنوان نمونه بنگرید: نیکلسون، پیدایش و سیر تصوف، صص ۵۵، ۶۱، ۶۴، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۴۷.

۴. گزارش اجمالی و نقد و بررسی این ادعاها را بنگرید در: یشربی، عرفان نظری، صص ۷۱-۱۰۹؛ محمد تقی مدرس، عرفان اسلامی بین نظریات البشر و بصائر الوحی، صص ۱۵۵-۱۷۷.

اسلامی، بلکه مراحل تکاملی آن را نیز همواره متأثر از فرهنگ بیگانگان می‌داند. تحقیقاً اگر بخواهیم به مجموعه گزارش‌های این نگاه افراطی پای بند باشیم، در آن صورت نه تنها تعالیم عرفانی، بلکه هیچ اندیشه‌ای را در میان مسلمانان نمی‌توان یافت که به نوعی برگرفته از بیگانگان و ادیان و مکاتب یهودی، مسیحی، مجوسی، یونانی و هندی نباشد. جالب توجه اینکه، گاهی آبشخور دو اندیشه متضاد به یک منشأ خارجی و گاهی نیز یک طرز تفکر اسلامی به دو منبع جداگانه و خارج از قلمرو اسلام نسبت داده شده است.<sup>۱</sup> برخی از آنها حتی پا را از مسائل جزئی فراتر نهاده و اعتراض صحابه و مسلمانان علیه عثمان و تمام مکتب تشیع و اصل بنیادینش، یعنی اعتقاد به وصایت و مرجعیت دینی و سیاسی امام علی (علیه السلام) را منتسب به عوامل خارجی و احياناً کید دشمنان اسلام کرده‌اند؛<sup>۲</sup> و یا در نگاهی خوش بینانه تر، تشیع را محصول ترکیب اسلام با فرهنگ دینی و سیاسی ایرانی دانسته‌اند. از همه مهم تر، پیش فرض و نگاه تحقیرآمیز و یا حداقلی صاحبان این نظریه نسبت

به اسلام و تعالیم آن است که به نظر می‌رسد برخی از آنها نتوانسته و یا نخواسته‌اند اسلام را به عنوان یک دین مشتمل بر عناصر معنوی بنگرند. از نگاه این دسته اسلام چیزی جز یک مشت تعالیم خشک و بی روح نبوده و تنها در ارائه نظامی حقوقی و فقهی هنرنمایی کرده است و در آن از طریقت و توجه به باطن و عناصر معنوی خبری نیست. بر اساس چنین نگاهی، قرآن و سنت به عنوان اصیل ترین منبع اسلامی تصوف، ظرفیت آن را ندارد که پاسخگوی ابعاد درونی انسان و پناه گاهی برای اهل سیر و سلوک عرفانی باشد و برای اغنای آنان برنامه‌ای داشته باشد؛ چرا که عمده توجه این شریعت به مسائل مربوط به زندگی ظاهری و نه باطنی بوده و تلاش کرده تا مردم را به فعالیت دنیوی و بهره‌مندی از

---

۱. مثلاً بنگرید: زهدی جارالله، المعتزله، بحث منشأ قدریه، صص ۴۴-۳۸؛ و مقایسه کنید با همان، منشأ جبریه صص ۹۴-۹۰؛ و نیز گزارش وی را از منشأ قول به خلق قرآن و ازلیت آن در: ص ۸۳؛ همچنین: ولوی علی محمد، دیانت و سیاست، ص ۱۷۹.

۲. ابوزهرة، تاریخ الجدل، ص ۹۲. گزارش مختصری از دیدگاه‌های مختلف را در این باره بنگرید در: فجرالاسلام، ص ۲۷۶-۲۷۸؛ قفاری، اصول الشیعه، ج ۱، ص ۸۹-۸۳؛ عرفان عبدالحمید، دراسات فی الفرق والعقاید الاسلامیه، صص ۳۳-۲۳.

لذات مباح زندگی دعوت کند.<sup>۱</sup> بر پایه تحلیل این افراد، می‌توان گفت اساساً اسلام فاقد هرگونه ساحت و حیات معنوی و حالت تجربه اصیل دینی بوده و برداشت‌های باطنی و رازآلوده از تعالیم آن نیز ممکن نیست. در واقع انکار خاستگاه دینی و درونی برای تصوف اسلامی توسط برخی افراد را باید ناشی از انکار و حیانی بودن تعالیم اسلامی بدانیم.<sup>۲</sup>

نتیجه آنکه، پیوند طریقت صوفیان مسلمان به خاستگاه بیرونی و باور به توکد تعالیم اصلی آن از دیگر فرهنگ‌ها و سنت‌های دینی صحیح نیست؛ چرا که در هر یک از این سنت‌ها درخت معنویت ریشه در مبادی و آموزه‌های خود آن سنت دارد. همان‌طور که همه مسیحیان این را نامعقول می‌دانند که کسی به خاطر شناخت قدیس آگوستین از مکاتب افلاطونی و نوافلاطونی، معنویت آگوستین را یونانی بداند؛ برای ما نیز همان‌قدر نامعقول است که کسی معنویت امثال حافظ یا ابن عربی یا مولانا را معنوی غیراسلامی بداند؛ آن‌هم به این دلیل که این بزرگان از عشقی سخن گفته‌اند که به تعالیم مسیحیت شباهت دارد یا از بیانات اعتقادی خاصی بهره‌جسته‌اند که از مکتب نوافلاطونی یا فلسفه‌های یونانی و ادیان هندی اقتباس شده است. عرفان نظری و عملی این اولیاء، ریشه در فرهنگ معنوی اسلام و نهضت محمدی ﷺ

دارد و نه افکار و عقایدی که فلان یا بهمان حکیم و فیلسوف بیگانه اظهار داشته است. آنها ثمره‌های شجره معنوی اسلام‌اند و هیچ شجره‌ای ثمر نمی‌دهد، مگر آنکه محصول اش نیز هم سنخ اوست: گندم از گندم بروید، جوز جو.<sup>۳</sup> البته هیچ‌کسی و از جمله خود عارفان منکر وحدت و یا تشابه برخی دستاوردهای عرفانی مختلف همچون وحدت وجود، فنا، توکل و... نیست؛ اما در برداشت‌ها و مقوله‌های فکری و فرهنگی باب توارد نیز برای همگان مفتوح است.

۱. بنگرید: عبدالحسین زرین کوب، جستجو در تصوف ایران، صص ۲۵-۱۰؛ همو، دنباله جستجو، صص

۳۴-۹۸.

۲. ویلیام چیتیک، درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی، ترجمه جلیل پروین، صص ۳۰-۳۱.

۳. آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام، صص ۱۷۴-۱۷۵.



### فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن، (۱۴۰۷ ق)، تلبیس ابلیس، تحقیق السید الجمیلی، دارالکتب العربی.
۳. ابن حزم، علی بن احمد، الفصل فی الملل و الاہواء و النحل، تحقیق، محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمن عمیره، ۵ ج،
۴. ابوزہرہ، محمد، (بی تا)، تاریخ المذاهب الاسلامیہ، دارالفکر العربی، قاہرہ.
۵. بغدادی، عبد القادر، (۱۹۹۸ م)، الفرق بین الفرق، تحقیق، بیروت، المکتبۃ العصریہ.
۶. بہی، محمد، (۱۹۷۲ م)، الجانب الالہی فی التفکیر الاسلامی، بیروت، دارالفکر.
۷. حنفی، حسن، (۱۹۹۴ ق)، بحوث فی علوم اصول الدین، تونس، دارالمعارف.
۸. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۳)، ارزش میراث صوفیہ، تہران، امیر کبیر.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۵ ش)، جست و جو در تصوف ایران، امیر کبیر.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۲)، دنبالہ جست و جو در تصوف ایران، تہران، امیر کبیر.
۱۱. سامی نشار، (۱۹۹۷ م)، علی، نشأۃ الفکر الفلسفی فی الاسلام، دارالمعارف بمصر، قاہرہ.
۱۲. شبلی نعمانی، محمد، (۱۳۲۸ ش)، تاریخ علم کلام، ترجمہ سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تہران.
۱۳. شہرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۶۳ ش)، الملل و النحل، تحقیق محمد بن فتح بدران، قم، انتشارات شریف رضی.
۱۴. شبلی، کامل مصطفی، (۱۹۸۲ م)، الصلۃ بین التصوف و التشیع، بیروت، دارالاندلس.
۱۵. صابری، حسین، (۱۳۸۳ ش)، تاریخ فرق اسلامی، سمت، تہران.
۱۶. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۹۳ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسۃ الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۱)، فرقه های اسلامی در سرزمین، شام در عصر اموی، ترجمہ حمید رضا شیخی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد.
۱۸. علم الدین، سلیمان سلیم، (۱۹۹۹ م)، التصوف الاسلامی، تاریخ، عقاید، طرق، اعلام، بیروت، انتشارات نوفل.
۱۹. عمارہ، محمد، (۱۹۸۴ م)، الخلافہ و نشأۃ الاحزاب الاسلامیہ، بیروت، الموسسۃ العربیہ

للدراست.

۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷ ش)، احیاء علوم الدین، به کوشش حسین خدیو جم، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. غنی، قاسم، (۱۳۷۵ ش)، تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات و مختلفه آن از صدر اسلام تا عصر حافظ، تهران، انتشارات زوار.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۱ ق)، الاصول الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب.
۲۳. کوربن، هانری، (۱۳۷۷)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی - تهران، کویر.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. محمود صبحی، احمد، (۱۴۰۵ ق)، فی علم الکلام، دراسة فلسفیه لاراء الفرق الاسلامیه فی اصول الدین، بیروت، دار النهضة العربیه.
۲۶. مدرسی، محمد تقی، (۱۴۱۲ ق - ۱۳۷۱)، العرفان الاسلامی بین نظریات البشر و بصائر الوحی، بیروت، دارالبيان العربی.
۲۷. مطهری، (۱۳۸۵)، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰)، عرفان حافظ، تهران، صدرا.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸)، مجموعه آثار، تهران، قم، صدرا.
۳۰. معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۶ ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۳۱. ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۱)، راهی به راهی، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
۳۲. مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۶۳ ش)، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۳. نصر، سید حسین، (۱۳۸۲)، آرمانها و واقعیت های اسلام، ترجمه ی انشاء الله رحمتی - تهران، انتشارات جام.
۳۴. یثربی، سید یحیی، (۱۳۷۲ ش)، عرفان نظری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، فلسفه عرفان، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۶. یوسف پور، محمد کاظم، (۱۳۸۰)، نقد صوفی، تهران، روزنه.